

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

تا بحال شش دلیل بر این که اخذ قصد امر در متعلق محال است، اقامه کردیم و ملاحظه کردید که، هر شش دلیل مورد مناقشه قرار گرفت، مخصوصا این دلیل ششم که، مرحوم محقق اصفهانی (ره) اقامه فرموده بودند که، اشکال به آن وارد است، ولو این که این اشکالی را که عرض کردیم، در کلمات نیست و بعضی از بزرگان هم دلیل ایشان را پذیرفته اند و بعضی هم از راه دیگر جواب داده اند که، آن جواب را هم دیروز بیان کرده و مورد مناقشه قرار دادیم.

اثبات استحاله از طریق برهان خلف

در کلمات مرحوم اصفهانی (ره) دلیل دیگری هم هست که، از آن بعنوان برهان خلف یاد می شود، اما خود مرحوم اصفهانی (ره) این دلیل را ذکر کرده و مورد مناقشه قرار داده اند.

ایشان فرموده اند: متعلق امر، یک تقدم تبعی بر خود امر دارد و امر عارض بر آن می شود و در حکم معروض برای این هست. مراد از تقدم تبعی این است که، در مقام تصور و لحاظ مولا نمی تواند وجوب امر را، بدون این که فرض وجوب متعلق شده باشد، فرض کند و باید در یک مرحله متقدمی، فرض وجود متعلق بشود، بعد مولا وجوب امر را فرض کند.

نظیر این مطلب در باب علم، باب اراده و باب حب و بغض که، از اوصاف نفسانیه است و نیاز به متعلق دارد، وجود دارد. فرض وجود علم، بدون اینکه قبل از آن فرض وجود معلوم شود، امکان ندارد و معلوم باید در یک رتبه ی متقدم بر علم باشد. در اراده هم همینطور است، انسان نمی تواند بگوید: من اراده کردم، اما هنوز برای این اراده، متعلق فرض نکردم.

علی ای حال علم، اراده و امر از اموری هستند که، فرض وجود اینها نمی شود، مگر اینکه در رتبه ی متقدم و قبل، فرض وجود متعلق شده باشد. پس نتیجه این بیان این می شود که، فرض وجود متعلق باید به عنوان یک فرض متقدم باشد، لذا امر به عنوان یک فرض متاخر است و متعلق به عنوان یک فرض متقدم است.

حال اگر قصد الامر را در متعلق امر داخل کنیم، قصد الامر معلول برای امر است، یعنی تا امر نباشد قصد الامر امکان ندارد. نسبت بین قصد الامر و خود امر، نسبت معلول به علت هست، یعنی امر به منزله علت و قصد الامر به منزله معلول است.

قصد الامر زمانی امکان دارد که، امری موجود باشد، پس لازمه این که قصد الامر در متعلق اخذ شود، چون قصد الامر بمنزله

المعلول براي امر است، بايد در رتبه‌ي متاخر فرض شود «و هذا خلف». قصد الامر ي كه «فرضناہ متقدما»، اگر بخواهد در متعلق قرار گيرد، «يفرض متاخرا»، پس «ما فرضناہ متقدما صار متاخرا»، آنچه كه به عنوان متقدم فرض كرده بوديم، به عنوان متاخر قرار مي‌گيرد و از اين خلف لازم مي‌آيد.

نقد و بررسي برهان خلف

عرض كردم بر خلاف آن دليلي كه ديروز خوانديم و ايشان آن را پذيرفته‌اند، اما اين دليل را خود مرحوم اصفهاني(ره) مورد ايراد قرار داده‌اند

جوابي كه ايشان از اين دليل داده اين است كه، آن امري كه قصد الامر در متعلق آن قرار مي‌گيرد، «امر بوجوده الخارجي» است و آن امري كه قصد الامر بر آن توقف دارد، «امر بوجوبه العلمي و بوجود الذهني» است. توضيح اين كه قصد الامر، يك امر و عمل ذهني است كه، مخاطب در ذهنش قصد مي‌كند.

يكي از فرق‌هاي بين قصد الامر و سائر اجزاء و شرايط در اين است كه، سائر اجزا و شرايط، يك وجود خارجي دارند، اما قصد الامر يك وجود ذهني دارد.

آن وقت مرحوم اصفهاني(ره) فرموده: بنا بر برهان سنخيت، بايد بين علت و معلول سنخيت باشد، اگر معلول يك امر ذهني است، علت نمي‌تواند يك امر خارجي باشد، اگر معلول يك امر خارجي هست، علت نمي‌تواند يك امر ذهني باشد. روي برهان سنخيت آنچه كه در ذهن وجود دارد، بايد علتش يك امر ذهني باشد، كما اينكه آنچه كه در خارج وجود دارد، بايد علتش يك امر خارجي باشد.

حال روي همين كبراي كلي در باب سنخيت، اين قصد الامر ي را كه مخاطب و مامور انجام مي‌دهد، يك وجود ذهني در ذهن مخاطب و مامور دارد، لذا امر مولا نمي‌تواند علت براي اين قصد الامر باشد، چون امر مولا يك وجود خارجي دارد و وجود خارجي نمي‌تواند علت براي اين قصد الامر باشد. پس علت براي قصد الامر، وجود تصوري و علمي است، چون مخاطب علم به امر دارد و اين علم به امر، علت براي قصد الامر قرار مي‌گيرد.

مرحوم اصفهاني(ره) در اينجا در تشبيهي فرموده‌اند: كسي كه از شير و اسد خوف پيدا مي‌كند، اين خوف يك امر نفساني است، آيا آن وجود خارجي اسد، سبب براي خوف است يا وجود علمي اسد؟ اگر كسي داخل منزلي شود كه، در اين منزل اسد وجود دارد، اما اين شخص علم به وجود اسد ندارد، هيچ وقت خوف در درونش محقق نمي‌شود. زماني خوف محقق مي‌شود كه، علم به وجود اسد داشته باشد. وقتي علم پيدا كرد كه اسد در خارج موجود است، اين علم سبب خوف اين شخص مي‌شود.

در مانحن فيه هم قضيه همينطور است، مجرد امر مولا در عالم خارج، سبب نمي‌شود كه مكلف، امر مولا را قصد كند، چه بسا اصلا مكلف علم به اين امر پيدا نمي‌كند. آنچه كه سبب مي‌شود كه، مكلف امر را قصد كند، علم به امر است، يعني «امر بوجوده العلمي» سبب مي‌شود كه، مكلف قصد الامر كند.

پس نتيجه اين شد كه، درست است كه قصد الامر توقف بر امر دارد، اما بر امر «بوجوده العلمي»، بر علم به امر توقف دارد و نه بر وجود خارجي امر.

از آن طرف امري كه، قصد امر مي‌خواهد در متعلق آن قرار گيرد، امر به وجوده الخارجي است، يعني مولا در خارج اگر بخواهد

امر کند، باید قبل از آن وجود متعلقی را فرض کند و مولا بدون فرض وجود متعلق، نمی‌تواند در خارج امر کند.

پس این امری که قصد الامر در متعلق آن اخذ شده، امر به وجود خارجی است و امری که قصد الامر بر آن توقف دارد، امر به وجود علمی و جوده ذهنی است. اگر این امرها با یکدیگر تغایر پیدا کردند، نتیجه این می‌شود که، هیچ گونه خلفی در کار نیست. بعضی‌ها - اگر یادتان باشد - در دلیل اول همین بیان را به عنوان دور ذکر می‌کردند، اما هیچ گونه دوری لازم نمی‌آید.

نقد و بررسی مناقشه مرحوم اصفهانی(ره) بر برهان خلف

مرحوم محقق عراقی(ره) بنابر آنچه در تقریرات مرحوم آملی(ره) از ایشان نوشته شده، - از مرحوم عراقی(ره) هم دو تقریر وجود دارد، همانطوری که از مرحوم نائینی(ره) هم دو تقریر است، یکی فوائد الاصول است و یکی اجود التقریرات، از مرحوم عراقی(ره) هم دو تقریرات است، یکی تقریر روان و محکمی است که، مرحوم شیخ محمد تقی بروجردی(ره) نوشته، بنام نهاییه الافکار و تقریر دیگر را مرحوم میرزا هاشم آملی(ره) از ایشان نوشته است - این جواب مرحوم اصفهانی(ره) را مورد خدشه قرار داده است که، گوشه از آن همین مطلبی بود که، بعضی آقایان اشاره کردند.

ایشان فرموده‌اند که: این علمی که می‌گوییم: قصد الامر بر امر بوجود علمی توقف دارد، این علم که موضوعیت ندارد، یعنی این چنین نیست که، این علمی که شخص پیدا کرده، امر بوجود علمی سبب شود که این شخص، قصد الامر انجام دهد، بلکه این علم، عنوان طریقت از خارج را دارد، یعنی وقتی علم پیدا می‌کند به اینکه، مولا امر کرده است، این علم طریق است برای کشف آن امر خارجی مولا.

در مواردی که علم عنوان طریقت دارد، اصلاً فانی است و خودش اصلاً مورد لحاظ، تصور و توجه بالاستقلال قرار نمی‌گیرد. فانی در آن چیزی است که، علم برای آن، عنوان طریقت دارد. در حقیقت می‌توانیم بیان کنیم که، آنچه که سبب برای قصد الامر است، همان امر مولا است.

بله این طریق اگر نباشد، یعنی این که مکلف و مامور، علم به امر مولا پیدا نکند، اینجا این تاثیر و تأثر وجود ندارد. اما علم به امر مولا، خودش موضوعیت ندارد، بلکه طریقت دارد و وقتی عنوان طریقت پیدا کرد، فانی می‌شود.

مرحوم عراقی(ره) برای این فرموده طریقت که، بفرماید این فانی می‌شود. وقتی موضوعیت نداشت، خودش بالاستقلال مورد توجه قرار نمی‌گیرد و اگر بالاستقلال مورد توجه قرار نگرفت، معلوم می‌شود آنچه که فی الواقع، علت برای این قصد الامر است، همان امر مولا بوجود خارجی است، «فعاد المحذور»، دوباره محذور خلف بر می‌گردد.

مرحوم اصفهانی(ره) زحمت کشید که بفرماید: آن امری که قصد الامر در متعلق آن وجود دارد، امر خارجی مولا است، اما آن امری که قصد الامر بر آن توقف دارد، امر به وجود علمی و به وجود ذهنی هست، اما با این اشکال مرحوم محقق عراقی(ره) دوباره اشکال بر می‌گردد.

درست است که تا مأمور، علم به امر مولا پیدا نکند، نمی‌تواند قصد الامر کند، تا شخص علم به وجود اسد در خانه پیدا نکند، خوف پیدا نمی‌کند، اما این علم موضوعیت دارد یا طریقت؟ اگر موضوعیت داشته باشد، فرمایش مرحوم اصفهانی(ره) درست است و محذور بر طرف می‌شود.

اما گر طریقت داشته باشد که دارد، معنای طریقت این است که، خودش کالعدم و غیر قابل لحاظ بالاستقلال است. آنچه مورد

توجه است، همان وجود خارجی است.

نقد و بررسی استاد محترم در باره‌ی کلام مرحوم عراقی(ره)

شما ببینید در باب اسد هم همینطور است، - این را بعنوان تکمیل فرمایش عراقی(ره) عرض میکنم، ولو در کلام ایشان نیست، اما مطلب روشنی هست - اگر اسد را تصور کنید، آیا تصور اسد سبب خوف برای شما می‌شود یا نه؟ تصور اسد زمانی سبب برای خوف می‌شود که، کاشف و طریق برای آن اسد خارجی باشد.

پس در عرف و در بین عقلاء هم همینطور است، نمی‌گویند: چون تصور کرد و علم به اسد پیدا کرد، خوف پیدا کرده است، بلکه می‌گویند: وجود خارجی اسد، سبب برای خوفی است که، این شخص پیدا کرده است.

مرحوم عراقی(ره) هم از کسانی است که، قائل است که اخذ قصد امر در متعلق محال است و تقریباً یک دلیلی که آورده، بر می‌گردد به همین دلیل اصفهانی(ره) و نتیجه این می‌شود که، مرحوم محقق عراقی(ره) از راه برهان خلف قائل شده به اینکه، اخذ قصد امر در متعلق امکان ندارد. و خلف را هم عرض کردیم.

خلف غیر از دور است و دور را قبلاً بیان کردیم، اگر بخواهد قصد الامر در متعلق اخذ شود، متعلق تقدم رتبی دارد بر خود امر، یعنی وجود متعلق را، در یک مرتبه‌ی متقدم بر امر فرض کنید، یعنی نمی‌توانیم وجود امر را فرض کنیم، الا اینکه قبل از آن وجود متعلق را فرض کرده باشیم.

این از یک طرف و از طرف دیگر اگر قصد الامر داخل متعلق شود، چون قصد الامر بدون امر نمی‌شود و معلول در رتبه متاخر قرار دارد، پس آنچه که، «فرضانه متقدماً یفرض متاخراً و هذا خلف».

حق این است که، این جوابی که مرحوم محقق عراقی(ره) از مرحوم محقق اصفهانی(ره) داده، جواب تامی است، ولو بعضی از شاگردهای مرحوم اصفهانی(ره) خواسته‌اند از استادشان دفاع کنند و در جواب از مرحوم عراقی(ره) یک راهی را طی کنند، اما نه این فرمایش، فرمایش تامی است.

دیگر نمی‌خواهیم وارد این مطلب شویم که، اگر حرف عراقی(ره) را قبول می‌کنید، مسئله برهان سنخیت را چه می‌کنید؟ بالاخره مرحوم محقق اصفهانی(ره) از راه برهان سنخیت وارد شده که، بین علت و معلول باید سنخیت باشد و خارج بما هو خارج، نمی‌تواند موثر در ذهن باشد.

این در جای خودش محل بحث است که، اولاً اصل برهان سنخیت که، آیا سنخیت بین علت و معلول یک امر مسلمی است یا نه؟ محل بحث است و ثانیاً از همین راهی که مرحوم محقق عراقی(ره) بیان کرده‌اند، سنخیت هم درست می‌شود و همین مقدار که، علم به امر، طریق به امر خارجی می‌شود، بین آن امر خارجی و بین این قصد الامر ذهنی، یک ارتباطی به وجود می‌آید و سنخیتی حاصل می‌شود.

اما اگر جواب عراقی(ره) را قبول کردید، مرحوم عراقی اصل محذور را پذیرفته که، اگر قصد امر بخواهد در متعلق امر اخذ شود، مستلزم خلف است و محال لازم می‌آید. آیا این بیان درست است یا نه؟

اگر در ذهن شریف تان باشد قولی از امام(ره) عرض کردیم که، مشکل خلف و استحاله، ربطی به مقام امتثال ندارد، بلکه مربوط

به مقام تصور یا جعل است. این یعنی حل این مشکل، در خیلی از جاهای دیگر هم بدر می‌خورد.

امام این را از راه تصور و تعدد حل کرده و فرموده‌اند: اشکال خلف و دور جایی است که، به همان تصویری که آن را به عنوان متقدم فرض می‌کنیم، در همان تصور هم آن را به عنوان متاخر فرض کنیم و در این صورت است که، خلف لازم یا دور لازم می‌آید.

اما اگر مسئله تعدد تصور را مطرح کرده و گفتیم: مولا اول قصد امر را در متعلق تصور می‌کند، پس متعلق «يفرض متقدما» و بعد تصور می‌کند که، قصد الامر توقف بر امر دارد. پس به یک تصور دومی، «يفرض متاخرا»، لذا مشکل با این بیان حل می‌شود. پس این دلیل را هم ملاحظه فرمودید که ناتمام است.

فقط یک دلیل دیگر از مرحوم نائینی(ره) است که، این را هم ان شاء الله بیان می‌کنیم که، اگر این را هم جواب داده و حل کردیم، آن وقت به این نتیجه شیرین می‌رسیم که، اخذ قصد امر در متعلق اشکالی ندارد. بالاخره درست است که، این نتیجه در ضمن چند کلمه است، اما می‌بینید که اصولیین این همه استدلال و براهین اقامه کرده‌اند، چون مسئله، مسئله مهم و دارای اهمیتی است.

شما فوائد الاصول مرحوم نائینی(ره) را مطالعه کنید و محاضرات را هم ببینید، تا ببینیم آیا این دلیل قابل جواب هست یا نه؟ در ذهنم هست که، مرحوم آقای خوئی(ره) فرموده‌اند که: بهترین دلیل برای استحاله، همین دلیل مرحوم محقق نائینی(ره) است.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ